

مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)

جلد یازدهم - شماره های ۲۰۱ - سال ۱۳۷۹

صص ۲۰۰۱

رمان پاورقی، انقلابی ادبی

سوسن بیضاوی

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

چکیده

از نیمه اول قرن ۱۹، در پی تحولات عظیمی که در جامعه فرانسه به وجود می‌آید، نویسندگان رمانتیک تمایل وافری به مسائل انسان دوستی و اجتماعی پیدا می‌کنند و عقاید خود را در قالب‌های مختلف رمان رمانتیک منعکس می‌سازند. یکی از انواع رمان که در این دوره با موفقیت کم‌نظیری روبرو می‌گردد رمان پاورقی است. بررسی عواملی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که باعث پیدایش این نوع رمان می‌شود و نیز بررسی ویژگی‌های رمان پاورقی که موضوع این مقاله است، روشن خواهد ساخت که چگونه نزدیک شدن نویسنده به توده مردم باعث موفقیت سریع این نوع رمان شده تا بدانجا که آن را انقلاب ادبی (۱) نیز خوانده‌اند. در قسمت پایانی این مقاله به ذکر عوامل و دلایل انحطاط و زوال رمان پاورقی خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی

رمان - پاورقی - انقلابی ادبی

مقدمه

دگرگونی‌های سیاسی، پیشرفت علم و صنعت و رمانتیسیم^(۱) معرفهای قرن ۱۹ فرانسه بشمار می‌روند. این قرن را برخی «احمقانه‌ترین» و بعضی دیگر «هیجان‌انگیزترین» (۲) قرن در تاریخ فرانسه شمرده‌اند و این هر دو نام از واقعیتی برخوردارند زیرا بیانگر دوره‌ای هستند که در میان گذشته‌ای منحنی و آینده‌ای مطلوب اما سرشار از سرگردانی دست و پا می‌زند. مجموعه‌ای از آداب و رسوم پس مانده دوره‌های گذشته و مسائل و مشکلات بفرنج مربوط به آینده، این قرن را وامی‌دارد تا بکوشد توازنی بین قدرتهای متضاد داخلی و خارجی برقرار کند. برای درک زندگی فکری، سیاسی و اجتماعی این قرن همین بس که از سویی بنیادگرایان سختگیری را بنگریم که بازگشت به قرن ۱۷ و رعایت قوانین سنتی در هر زمینه را توصیه می‌کنند و از سویی دیگر عقل‌گرایانی را ببینیم که راهی بین نگرش عقلانی و درک عرفانی را می‌پسندند. و افزون بر این دو گروه البته ناسیونالیستهای ۱۷۸۹ و همچنین مدرنیست‌های مخالف با هر گونه تفکر سنتی را نیز - که تنها افکار نو را می‌پذیرند - نادیده نباید گرفت.

در این شرایط، آتش جنگی که در پایان قرن ۱۷ بین طرفداران «قدیمی‌ها» و «مدرن‌ها» در زمینه هنر در گرفته بود از نو شعله‌ور می‌شود، با این تفاوت که این بار جنگ بر سر شکل کلی زندگی یا به عبارت دیگر کلیه زمینه‌های زندگی خواهد بود.

اکتشافات و پیشرفت علوم مختلف و کاربرد آنها در زمینه‌های صنعت، زندگی مادی فرانسوی را با تحولات سرسام‌آوری در این قرن روبرو می‌سازد. کارخانه‌های متعدد راه‌اندازی می‌شود، طبقه متوسط و پایین اجتماع و بخصوص دهقانان به طرف شهرهای بزرگ هجوم می‌آورند تا از مزایای زندگی صنعتی بهره‌مند شوند. در این حال دیگر بررسی طبقه‌بندیهای اجتماعی غیر ضروری به نظر می‌رسد زیرا که «اقتصاد» حرف اول را می‌زند و شرایط اقتصادی باعث ادغام طبقات مختلف جامعه می‌شود و «پول» تنها عامل تعیین کننده فاصله‌ها شناخته می‌شود.

۱ جنبش فکری، ادبی، هنری که در نیمه اول قرن ۱۹ در فرانسه به وجود آمد. ضدیت با قانونمندی کلاسیک‌ها در هنر و عقل‌گرایی فلاسفه قرن ۱۸، همچنین تأکید بر آزادی نویسنده در بیان احساسات درونی و نیز آزادی هنر از هر گونه قید و بند، اساس این جنبش را تشکیل می‌دهد.

با آنکه تحولات مذکور، تغییرات عمیقی در جامعه به وجود می‌آورد، میراث انقلاب ۱۷۸۹ فراموش نمی‌شود و جایگزین نمودن جامعه‌ای متشکل از افراد آزاد و با حقوق مساوی به جای حکومت سنتی قبل از انقلاب، بعنوان تنها هدف سیاسی در مد نظر قرار می‌گیرد. بدین ترتیب در زمینه سیاسی نیز عملکرد حکومت‌ها بیش از نوع نظام اهمیت می‌یابد و وابستگی به ایدئولوژی‌های سیاسی سست می‌گردد. در نتیجه نوعی حالت سرگردانی سیاسی در اجتماع به وجود می‌آید به گونه‌ای که در نیم قرن شش بار حکومت مرکزی تغییر می‌یابد. (۳) از این رو بار دیگر اصطلاح «فرانسه سرزمین انقلاب‌ها»، در اذهان زنده می‌شود. با این ویژگی که در انقلاب‌های این قرن طبقات «بورژوا»، «مردم» و «دهقان» که تا این دوره هیچ نقشی در گردش امور کشور بعهده نداشتند - و حداقل نقش اساسی در امور نداشتند - وارد صحنه سیاست می‌شوند. صاحب‌نظران معتقدند (۴) که به وجود آمدن حکومت پارلمانی در این زمان مؤید اهمیت یافتن این طبقات اجتماع است، چه در چنین حکومتی است که وجود دو طبقه لازم و ملزوم یکدیگرند:

- ۱- طبقه نخبگان که در اقلیت بوده‌اند اما مناصب اداری و حکومتی را در اختیار دارند.
- ۲- عامه مردم که بر اساس احساسات خویش درباره مسائل سیاسی بحث می‌کنند و رأی می‌دهند.

قابل ذکر است که با وجود تضاد عقاید سیاسی که منجر به تغییر حکومت‌ها می‌شود، دست‌آورد انقلاب که عبارت از مستحکم نمودن حقوق همه شهروندان است زیر سؤال نمی‌رود و تشکیل حکومت مرکزی، تدوین قانون اساسی، سازماندهی دیوان عالی عدالت و همگانی نمودن تعلیم و تربیت غیر مذهبی همچنان بعنوان اساس حکومتها شناخته می‌شود. و چون شکی باقی نمی‌ماند که سریع‌ترین راه رسیدن به جامعه‌ای متعالی تحکیم و همگانی کردن تعلیم و تربیت است، این امر در بنیادها و مؤسسات رسمی توسعه می‌یابد و بعنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف مطرح می‌شود.

سرانجام زمان آن فرا می‌رسد که نویسنده صاحب قلم با نقشی که هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود در این جامعه عرض اندام نماید. نویسنده این دوره راهبی می‌شود که دو مسئولیت مهم بعهده دارد:

۱- تربیت ذهنی جامعه ۲- کمک به همگانی نمودن آموزش و پرورشی مدرن و عاری از هر گونه اندیشه کهنه.

چون نویسنده نیاز به وسیله‌ای برای انتشار افکار و عقاید خود و برقرار کردن ارتباط با جمعیت خوانندگان دارد «حقوق سند یکاها»، «آزادی مطبوعات»، «حقوق ناشر» و بعنوان درخواستهایی جدید از حکومت مطرح می‌شود و انتشار مطبوعات توسعه چشمگیری می‌یابد. آمار در این زمینه ارقام قابل ملاحظه‌ای به دست می‌دهد (۵).

مطبوعات به گونه‌ای هزار چهره جلوه‌گر می‌شود و از گزارشهای ساده گرفته تا بحثهای فلسفی را در خود جای می‌دهد. نویسندگان و نظریه‌پردازان بزرگ و صاحب نام و اندیشمندان رشته‌های مختلف با جرأید همکاری می‌کنند و رفته رفته مطبوعات حالتی اندیشمندانه می‌یابد و وسیله‌ای برای بیان آرزوها و امیال نهانی و عمیق جامعه می‌گردد و از آنجا که جامعه خواهستهای مشروع خود را در عملکرد حکومتهای ناتوان زمان نمی‌یابد، اندیشمندان و نویسندگان بعنوان مخالفان علنی این حکومتها شناخته می‌شوند. به این دلیل رابطه حکومت و این طبقه معمولاً تیره است و در هر فرصت مناسب: «آزادی بیان» زیر سؤال می‌رود و نویسنده مورد بدرفتاری رژیم قرار می‌گیرد: این خطری است جدی برای مطبوعات که همواره سانسور را چون سدی عظیم در برابر خود می‌یابد. نتیجه آنکه ادبیات این دوره به صورتی همه‌گیر با سیاست آمیخته می‌شود تا آنجا که به نظر می‌رسد که تعادل سیاسی و اجتماعی تنها با همداستانی طبقات متوسط و دهقانان مرفه با نویسندگان حاصل می‌شود. شرکت در زندگی اجتماعی، گام برداشتن در راه سیاست، منعکس نمودن مسائل و نگرانی‌های اجتماع و سرانجام نزدیک شدن هر چه بیشتر به مردم راهی است که نویسندگان موفق این دوره در پیش می‌گیرند و جمعیت جدید خواننده با توقعات مشروع خود به ادبیات روی می‌آورد. برای این خوانندگان نویسنده ادبی نه تنها وسیله‌ای برای سرگرمی و پیروی از مد روز فراهم می‌کند بلکه با قلم خود نیاز فکری او را برمی‌آورد و هر زمان چیزی به او می‌آموزد.

در این هنگام رمان که از اواسط قرن ۱۸ پیشرفت بسیار کرده به صورت نوع ادبی مستقل و قابل توجهی در صحنه ادبیات فرانسه جلوه‌گر شده بود جای پای خود را مستحکم‌تر می‌کند و به یک نوع ادبی تازه و فارغ از قید و بند سنتی تبدیل می‌شود. در این میان نقش جنبش ادبی رمانتیسیم از اهمیتی ویژه برخوردار است. این مکتب که در ابتدای پیدایش صرفاً به توصیف

طبیعت و ارتباط میان روح بشر و روح طبیعت می برداخت کم کم به شناخت و درک زندگی اجتماعی و بازسازی آن در ادبیات روی می آورد. مکتب رمانتیسیم با تأکید بر برتری احساس نسبت به اندیشه در زندگی انسان، «زندگی خصوصی فردی» و «فرد در جستجوی واقعیت خود» را موضوع اصلی آثار خود قرار می دهد. برای نویسنده رمانتیک ۱۹۳۰ به بعد، رمان نوعی نوشته ادبی است که می تواند ارتباط میان انسان و واقعیتی که در آن زندگی می کند را به شایستگی بیان نماید. تجربه گذشته نشان داده بود که رمان قادر است در قلب انسان نفوذ کرده نقاط تیره و روشن آن را منعکس کند. حال، زمان آن رسیده است که این نوع ادبی خصوصیات جوامع بشری را در قالبی جذاب و مهیج برای آیندگان بیان کند. گرایش به سمت رئالیسم نکته مثبت دیگری است که باعث می شود رمان تنها بیانگر تخیلات شخصی نویسنده نباشد بلکه به صورت پژواک جامعه خالق خود درآید. بدینگونه جامعه و هر آنچه مربوط به زندگی آن می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار می گردد و تحلیل احساسات انسانی از طریق ترسیم زندگی اجتماعی میسر می گردد. هر رمان این دوره، تصویر کوچکی شده ای از جهان واقعی است، دنیای کوچکی که خواننده می تواند از دریچه آن کل زندگی یک دوره را از نظر بگذراند. در زمانی که سلسله مراتب اجتماعی واژگون می شود و هنگامی که انقلاب صنعتی ساختار ظاهری جامعه را تغییر می دهد، نویسندگان بزرگ این زمان رمان را تبدیل به آینه ای می نمایند که تغییر شکل های عمیق هر دوره را در قالب انواع مختلف خود منعکس می سازد. تنوع این انواع، این قرن را به دوره شکوفایی رمان مشهور می سازد. البته سرنوشت انواع رمان یکسان نیست. بعضی با زمان متحول می شوند و در دهه ها و قرن بعد نیز ادامه حیات می یابند. برخی دیگر با وجودی که در زمان خود با موفقیت کم نظیری روبرو می شوند به دلایل مختلف ادامه نمی یابند. اما با آنکه تنها نامی از آنها در تاریخ ادبیات باقی می ماند برای خواننده نسل های بعد زنده کننده خاطره حوادثی می باشند که در خود منعکس ساخته اند. از آن جمله است رمان پاورقی. در ۱۸۳۷-۱۸۳۸ فردریک سولیه «خاطرات ابلیس» (۶) را به صورت رمان پاورقی منتشر می کند. این نوع رمان مورد توجه قرار می گیرد و فراگیر شدن مطبوعات انتشار رمان به این صورت را آسان می کند. در ۱۸۴۲ انتشار «عجایب پاریس» و در ۱۸۴۵ «یهودی سرگردان» اوژن سو (۷) تیراژ روزنامه Constitutionnel را تا آنجا بالا می برد که این نوع رمان بعنوان انقلابی ادبی معرفی می شود. در اینجا به بررسی ویژگی های رمان پاورقی می پردازیم.

تعریف

به زمانی که به صورت منظم و دنباله‌دار در جراید به چاپ رسد رمان پاورقی گفته می‌شود. رمان پاورقی از ابتدای پیدایش در قسمت پایین یکی از صفحات جراید به چاپ می‌رسید. در هر نسخه از روزنامه، رمان در جایی قطع می‌گردید که خواننده برای دانستن وقایع بعدی میل و انگیزه شدید احساس می‌کرد. ناتمام ماندن قصه وی را در حالتی مشتاق و در عین حال بلا تکلیف نگه می‌داشت. در نتیجه وی بی‌صبرانه در انتظار انتشار شماره بعدی روزنامه باقی می‌ماند.

در ۱۸۳۶ امیل دوزیراردن (۸) و ارماندو تاک (۹) تصمیم گرفتند رمانهای نویسندگان رماتیک را در روزنامه‌های جدید التاسیس خود منتشر کنند. قابل ذکر است که در این زمان نویسندگان رماتیک با ایده‌های نوین خود مطالب و کتب متعددی می‌نوشتند اما بازار کتاب در وضعیتی بحرانی و رمان چه از نظر چاپ و بازار فروش و چه از نظر تعداد خواننده در وضعیت نامطلوبی بود. بنابراین وقتی این دو ناشر داستانهای نویسندگان را بعنوان زنتی برای روزنامه‌های خود در نظر گرفتند و بر آن شدند تا آنها را به صورت قطعه قطعه اما هر روز منتشر کنند موقعیت قابل ملاحظه‌ای برای نویسندگان به وجود آمد.

تاریخچه پیدایش

تلاطم اوضاع سیاسی فرانسه در نیمه اول قرن ۱۹ تأثیر مستقیم بر ادبیات این دوره دارد. از این رو همگام با تحولات سیاسی که در اثر تمایل به جمهوری یا سلطنت در این دوره به وجود می‌آید، در زمینه ادبیات نیز با وجود پیدایش و پیشرفت مکتب رماتیسم از ابتدای قرن و به رغم تأثیر عمیق آن بر زمینه‌های فکری این زمان، هنوز هم عده‌ای از متفکرین طرفدار «کلاسیک»ها می‌باشند و بازگشت همان سبک را برای ادبیات طلب می‌کنند.

درباره رمان پاورقی اشاره به این نکته ضروری است که گرچه نویسندگان این نوع رمان، رماتیک می‌باشند اما زبردن خود یک کلاسیک است. به این صورت حرکتی که زبردن آغاز می‌کند تا اندازه‌ای به منظور ارضای حس کنجکاری و نوعی زور آزمایی کلاسیکها با رماتیکهاست. از این رو رمان پاورقی صورت نقطه تلاقی دو جریان متضاد را به خود می‌گیرد:

این نوع رمان توسط رمانتیکها نوشته می‌شود و به وسیله سرمایه مالی کلاسیکها به چاپ می‌رسد. تضاد یاد شده در جزئیات ساختار رمان پاورقی مشهود است. بعنوان مثال رمانتیکها به نوشتن رمان تاریخی علاقمند می‌باشند در حالی که کلاسیکها رمان اساطیری را می‌پسندند. کلاسیکها ادبیات را به عنوان وجه تمایز طرز تفکر ظریف و پیچیده از افکار عامی دانسته برای طبقه خاص اهل تفکر و اشراف می‌نویسند. اما رمانتیکها در صدد نفوذ در کلیه طبقات اجتماع اند و در جستجوی تعداد خواننده بیشتر و رخنه در دل همه خوانندگان. راست است که رمانتیکها همانند کلاسیکها متون اخلاقی می‌خواهند، اما مفهوم اخلاق نزد آنان یکسان نیست: کلاسیکها با در نظر گرفتن طبقه خاص خوانندگان خود اصالت و رعایت آداب دانی را در مد نظر قرار می‌دهند و از بیان جنبه‌های پست اخلاقی - چه انسان را آنگونه که باید باشد در نظر گیرند و چه آنگونه که هست - خردداری می‌ورزند. در مقابل، رمانتیکها به منظور راه‌یابی در دل کلیه طبقات خواننده از جمله کارمندان و کارگران تازه باسواد شده که با رونق یافتن کارخانه‌ها به شهرهای بزرگ آمده و خیل عظیم خوانندگان آنها را تشکیل می‌دهند، به جنبه‌های مهاجم اخلاقی که پی‌آمد مستقیم زندگی جدید شهری این طبقات است مانند فحشاء، الکلیسم و ... می‌پردازند.

نکته قابل ذکر دیگر این که در سال ۱۸۳۶ روزنامه‌های متعددی منتشر می‌شوند که قسمت اعظم مطالب آنها سیاسی است. یا توجه به اوضاع نابامان سیاسی و مخالفت سیاستمداران با نویسندگان بویژه نویسندگان رمانتیک که همگی «متعهد»^(۱) هستند، ژراردن احساس کرد که ادامه حیات روزنامه‌هایی که اساس آنها سیاست است امکان‌پذیر نیست. بنابراین به دنبال وسیله‌ای دیگر برای ادامه حیات روزنامه خود بود. ایجاد تفتن و جلب توجه خواننده از طریق یک داستان دنباله‌دار وسیله‌ای بود که با آن می‌توانست خواننده را پای‌بند نماید و حتی در زمان سانسور سیاسی روزنامه، انتشار آن را ادامه دهد و برای این منظور داستانهای طولانی یا رمان مناسبتر از انواع دیگر نشر به نظر می‌رسید. به همین جهت بود که نویسندگان رمانتیک که هم از قدرت تخیل وسیعی برخوردار بودند و هم در نقل داستانهای

۱ نویسنده متعهد کسی است که برای ایدئولوژی خاص زمان خود می‌جنگد و هدف نهایی او این است که نتیجه تلاش خود را خیلی زود یعنی در زمان حیات خود ببیند. مرجع شماره ۴، ص ۷۴.

طویل تبحر داشتند و در داستانه‌های خود حتی در داستان تاریخی، اشاره به طرز فکر و مسائل و مشکلات زمان خود را فراموش نمی‌کردند، نظر ژیراردن را به خود جلب نمودند. در اینجا می‌بینیم که جنبه‌های فلسفی و اقتصادی هر دو در پیدایش رمان پاورقی دخیل می‌باشند.

شرایط پیدایش رمان پاورقی

قبل از تولد رمان پاورقی نویسندگان رمانتیک، رمانهای متعددی نوشته و منتشر کرده بودند بنابراین تولد رمان در قرن ۱۹، قبل از پیدایش این نوع ویژه رمان است. برای مثال در ۱۸۲۳ استاندال در مقاله مشهور خود با عنوان «راسین و شکسپیر» به تحلیل شایستگی‌های کلاسیکها و رمانتیکها پرداخته می‌گوید: بهترین کار رمانتیکها ترجمه و انتراسکات^(۱) به زبان فرانسه و تقلید از رمانهای تاریخی اوست. فراموش نکنیم که در ۱۸۱۵ آلفرد دووینی «سنک مارس» (۱۰) در ۱۸۲۹ مریمه «وقایع حکومت شارل نهم» (۱۱) و در ۱۸۳۰ ویکتور هوگو «تردام دوپاری» (۱۲) خود را منتشر کرده‌اند که هر سه از رمانهای تاریخی بزرگ ادبیات فرانسه محسوب می‌شوند.

از آن گذشته در قرن ۱۸ نیز صفحه‌ای با عنوان وقایع (Chronique) در روزنامه‌ها منتشر می‌شد که حالت پاورقی داشت. در این صفحه معمولاً متخصصی متوالیاً نظر خود را درباره یک اثر هنری ابراز می‌داشت. همچنین در سالهای ۱۸۳۰-۱۸۲۸ بالزاک بعضی از رمانهای خود را قسمت قسمت و به طور دنباله‌دار در *La revue des deux mondes* منتشر کرده بود. از آن جمله است «زن والا» و قسمتی از «زن کارگر». اما چون این داستانها هفته به هفته منتشر می‌شد

۱ سروانتراسکات (۱۸۳۲-۱۷۷۱) رمان‌نویس انگلیسی در آثار خود همواره، به ترسیم مناظر افسانه‌ای و تاریخی علاقه وافری نشان داده با انتشار رمانهایی چون *دگی مانریک* (۱۸۱۵)، «عقیقه‌شناس» (۱۸۱۶)، «ابوانهو» (۱۸۲۰) سبک جدیدی در رمان پایه‌ریزی می‌کند که نام رمان تاریخی می‌گیرد. اصل اساسی این نوع رمان از نظر اسکات انتخاب زمانی از تاریخ است که در آن اختلاف طبقاتی شدید جامعه را به دسته‌های متعدد تقسیم کرده باشد. با تأکید بر این اصل و با تسلطی که این نویسنده در فن نفع‌برداری دارد گفتگو با دیالوگهای آتشینی بین شخصیت‌های داستانه‌های خود خلق می‌کند که درک عمیق این نویسنده را از بشریت نشان می‌دهد. نوآوری بارز این نویسنده خلق شخصیت‌های معمولی است که دارای احساساتی آتشین بوده بسیار سخاوتمند و با فضیلت می‌باشند.

خواننده چندانی نداشت. همین امر باعث شد که ژیراردن پاورقی را هر روز در روزنامه خود منتشر کند.

جنبه‌های اجتماعی و تاریخی رمان پاورقی

همانگونه که اشاره شد پیشرفت صنعت و به دنبال آن توسعه شهرنشینی از عمده تحولاتی است که در نیمه اول قرن ۱۹ مشاهده می‌شود. قدرتهای تولیدکننده با پی بردن به خلاق بودن پول، سرمایه‌های راكد را به جریان انداختند و همین امر باعث رونق هر چه بیشتر وضع اقتصادی کشور متکی بر صنعت گردید. این وضعیت باعث به وجود آمدن فلسفه «خوش‌بینی» نسبت به آینده گردید و «سرمایه‌دار» و «کارخانه‌دار» تبدیل به قهرمان ملی شدند. نوید آینده‌ای بهتر متکی بر وضع اقتصادی بهتر فرانسویان را به فکر تسخیر جهان مادی قرن ۱۹ می‌اندازد. هر چند واقعیت‌های اجتماعی این دوره تصویری چنین خوش‌بینانه بدست نمی‌دهد، چه جمعیت جدید حقوق بگیران کارخانه‌ها نوع جدیدی از برده‌داری را نمایش می‌دهد و استثمار انسان به وسیله انسان و برتری «ماشین» نسبت به انسان از معضلات جدیدی است که در این اجتماع به وجود می‌آید، با این حال طبقه جدید کارگر را نمی‌توان مترادف «بدبخت» دانست. بلکه باید در نظر داشت که این طبقه جدید طرز فکر مخصوص، فرهنگ مخصوص و نیازهای مخصوص به خود را دارد که جامعه نمی‌تواند از آن غافل شود. ریشه‌کن کردن کامل یسواد در کشور که بعنوان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب کبیر فرانسه شناخته می‌شود و به دنبال آن اجباری شدن تحصیلات و از طرف دیگر نیاز به کارگر متخصص در اجتماع جدید دست به دست هم داده شرایط مساعدی برای توسعه آموزش و پرورش در این طبقه به وجود می‌آورد. نباید از نظر دور داشت که باسواد شدن کارگران و نیاز آنها به اطلاع دقیق از مسائل سیاسی و اقتصادی کشور از عواملی است که باعث توسعه و به عبارتی «انفجار» مطبوعات در این دوره می‌شود. بعنوان مثال در این زمان تنها در پاریس بالغ بر ۶۲ روزنامه منتشر می‌شود که اغلب آنها در استانهای مختلف کشور نیز توزیع می‌شود. مطالب این روزنامه‌ها اغلب سیاسی است و بهای آن برای طبقه کارگر گزاف است. در اینجا است که ژیراردن به فکر انتشار روزنامه با قیمت پایین می‌افتد. بدین منظور:

۱- «حق اشتراک» را به وجود می‌آورد. پولی که از این بابت نصیب ناشر می‌شود در توسعه صنعت چاپ مؤثر بوده امکان انتشار نشریات دیگر را هم به وجود می‌آورد.
۲- در روزنامه آگهی تبلیغاتی به چاپ می‌رساند که این عامل نیز باعث بالا بردن قدرت مالی ناشر می‌شود.

۳- با چاپ رمان پاورقی رنگ و بوی جدیدی به روزنامه می‌دهد. چاپ رمان پاورقی باعث می‌شود که نه تنها سدی در برابر سانسور به وجود آید بلکه خوانندگان را پای‌بند می‌کند و باعث افزایش تعداد آنها می‌گردد.

به این صورت ژیراردن موفق می‌شود قیمت روزنامه را پایین‌آورده به نصف قیمت معمول بفروشد. در حالی که دستمزد سالانه یک کارمند ۱۰۰۰ فرانک می‌باشد حق اشتراک یک روزنامه ۸۰ فرانک می‌شود. ژیراردن این رقم را به ۴۰ فرانک کاهش می‌دهد (۱۳). در نتیجه روزنامه به صورت وسیع در دفاتر کار طبقات مختلف انبار می‌شود و رمان پاورقی حتی توجه خوانندگان بیسواد را به خود جلب می‌کند تا آنجا که می‌توانیم شاهد به وجود آمدن دفاتر قرائت روزنامه باشیم که در آنها افراد باسواد روزنامه را به صدای بلند برای بیسوادان مراجعه‌کننده قرائت می‌کنند.

ویژگی‌های رمان پاورقی

رمان پاورقی از این پس با خصوصیات زیر به چاپ می‌رسد:

- ۱- داستان هر روز در قسمت پایین صفحه اول به چاپ می‌رسد. در پایان سال ناشر می‌تواند داستان را در صورتی که به اتمام رسیده باشد به صورت کتاب منتشر کند.
- ۲- ناشر هیچگونه تفسیری به آغاز قسمتها نمی‌افزاید.
- ۳- نویسنده به تعداد سطرهای نوشته شده دستمزد دریافت می‌کند و از هیچگونه حقوق دیگر نویسنده‌گی برخوردار نیست.

۴- هر قسمت به حالت تعلیق ختم می‌شود. بدین معنی که داستان در جایی قطع می‌گردد که خواننده برای آگاهی از وقایع بعدی میل و انگیزه شدیدی احساس می‌کند و ناتمام ماندن داستان وی را در حالت اشتیاق و در عین حال بلا تکلیفی قرار می‌دهد.

مضامین رمان پاورقی

- رمان پاورقی همدلی نویسنده با خواننده را می‌رساند. برای نشان دادن این همدلی نویسنده موضوع‌های مربوط به دنیای جدید مانند فرزندان بی‌خانمان، زنان بی‌شوهر، فساد اخلاقی و ... را بعنوان مضامین اصلی رمان خود انتخاب می‌کند. مضامین مزبور در خوانندگان یاد شده همان حالت «پالایش» که ارسطو به آن Catharsis می‌گفت را ایجاد می‌کند. زیرا با مشاهده انسانهای بدبخت و مشکلات روزافزون آنها در داستان، خواننده مشکلات و غمهای خود را فراموش کرده، می‌اندیشد «از من بدبخت‌تر هم وجود دارد».

- تاریخ یکی دیگر از عناصر مهم رمان پاورقی است. دستیابی به ترمودینامیک و برق و گرفتن لقب قرن «سرعت» از دیگر پدیده‌های مهم قرن ۱۹ است (۱۲). این دست آورد فاصله‌های زمانی و مکانی را از میان برداشته نه تنها بر روابط انسانها بلکه بر ساختارهای فردی و کشوری نیز تأثیر می‌گذارد. و چون بیم آن می‌رود که «سرعت» خاطره امروز را نیز از اذهان پاک کند، علوم مختلف درصدد یافتن سابقه تاریخی خود در جریان عمومی قرون گذشته و در تاریخ تحول بشریت برمی‌آیند. یافتن سابقه «اصالت» یکی دیگر از موضوعهای مهم تفکر این دوره را تشکیل می‌دهد که نه تنها علوم بلکه اذهان فردی را نیز به خود مشغول می‌دارد و در این راه علم تاریخ است که امکان کشف واقعیات تاریخی را به وجود می‌آورد و نگاه فرانسویان متوجه زندگی فرانسویان دوره‌های قبل شده، شناخت گذشته راهی برای ساختن آینده محسوب می‌شود. بعبارت دیگر چون تاریخ امکان وسعت بخشیدن به شناسایی زمان و مکان را به وجود می‌آورد واقعیت جهان امروز تا اندازه‌ای اهمیت خود را از دست داده، شناخت گذشته وسیله‌ای برای آگاه نمودن فرد از اصالت خود محسوب می‌شود. ادبیات این دوره خصوصاً با رمان پاورقی این وظیفه خطیر را عهده‌دار می‌شود.

- احقاق حقوق زنان مسأله دیگری است که در رمان پاورقی مطرح می‌شود. به ویژه که زن در اجتماع فرانسه تا این دوره از هیچگونه حقوق اجتماعی برخوردار نبود و حتی ازدواجش نه بر پایه انتخاب آزاد، که بر اساس مصلحت مادی و سودجویی صورت می‌گرفت، و بر روی هم زن، موجودی شناخته می‌شده که همواره باید تحت تکفل مرد (پدر و سپس شوهر) زندگی کند. رمان پاورقی «حق طلاق» را بعنوان یکی از حقوق زنان مطرح می‌کند. قابل ذکر است که این تلاش در ۱۸۹۰ به ثمر می‌رسد و قانون ناکه (Naquet) به زنان امکان تقاضای طلاق را می‌دهد.

هدف رمان پاورقی

نخستین و مهمترین هدف رمان پاورقی بالا بردن تیراژ روزنامه بوده است. می توان گفت رمان پاورقی در این راه کاملاً موفق شد. یکی از نمونه های موفق رمان پاورقی این دوره «عجایب پاریس» نوشته اوژن سو (۱۸۵۷-۱۸۰۴) است که اجمالاً به بررسی آن می پردازیم.

خلاصه این داستان

پرنس رودولف (۱۵) با زنی به نام سارا (۱۶) از طبقه متوسط اجتماع ازدواج کرده است. وی با همه عشق و علاقه ای که به همسر خود دارد به دلیل اختلاف طبقاتی مجبور به فسخ این ازدواج می گردد. وی ناامید و رنجیده خاطر تصمیم می گیرد بقیه عمر خود را در سفر بگذراند. پرنس در سفرهای خود با حوادثی مواجه می شود که عکس العملهای وی در برابر آنها او را تبدیل به شوالیه ای سرگردان در دنیای امروز می نماید.

دفاع از بیگناهانی که تحت ستم قرار می گیرند و احقاق حقوق آنان به سبک شوالیه های دوره فتودالیه راهی است که وی در پیش می گیرد. وی بر سر راه خود به پاریس می رسد. تغییر لباس و هویت داده و به قلب شهر نفوذ می کند و با فلور دوماری (۱۷) زن بدکاره ای که قلبی با عظمت دارد آشنا می شود. در اینجا نویسنده موقعیت مناسبی می یابد تا شخصیت ها و صحنه های متعددی خلق کرده داستان پرپیچ و خم و پرهیجانی بیافریند مثل خانواده سراندار پپله (۱۸)، مورل (۱۹) کارگر، ریگولت (۲۰) دخترک خردسالی که زندگی مشکوکی دارد، صورتهای هراس انگیز شوری نور (۲۱) قاتل، معلم مدرسه و لاشوئت (۲۲) زن بدجنسی که فلور دوماری را به این راه کشانده است.

همچنین نویسنده هر روز بر تعداد قتل ها، آدم دزدی ها و موضوعات فرعی داستان می افزاید. در این میان فلور دوماری با آنکه منحرف شده است باکی روح و ظرافت احساسات خود را تا آنجا حفظ کرده است که تعلیم اخلاقی هم بندهای خود را در زندان بعهده می گیرد. سرانجام رودولف متوجه می شود که فلور دوماری دختر خود اوست. همچنین پی می برد که سارا زمانی که تنها و بی پناه مانده بود مجبور به ترک فرزندشان شده بود. از این به بعد پرنس با سرپوش خود آشتی کرده به زادگاه خویش باز می گردد در حالی که فلور دوماری را نجات

می‌دهد و ثروت او را باز می‌گرداند. اما فلوردوماری که از گذشته خود تجربه دردناکی دارد به صومعه می‌رود. روزی که فلوردوماری لباس راهبان را به تن می‌کند، رودلف جهان فانی را وداع می‌گوید. کمی پس از آن دختر نیز به پدر می‌پیوندد.

تأثیر ادبی و اجتماعی رمان پاورقی

اوژن سو با نوشتن «عجایب پاریس» به چنان محبوبیت و شهرتی در زمان خود می‌رسد که در تاریخ ادبیات فرانسه کم‌نظیر است. تئوفیل گوته (۲۳) نویسنده معاصر وی می‌نویسد: بیماران رو به مرگ از پزشکان خود می‌خواستند کمکشان کنند زنده بمانند تا پایان عجایب پاریس را بخوانند (۲۴). مهمترین هدف اوژن سو از نوشتن این رمان این است که به خوانندگان خود، که اغلب از طبقه بورژوا هستند، بدبختی‌های طبقه پایین اجتماع فرانسه را تحت رژیم آن روز که خود از مخالفان آن است نشان دهد. به منظور رسیدن به این هدف وی از فنون مطنن و آزمایش شده وقایع داستانی و تهییج احساسات استفاده می‌کند. جالب اینجاست که خوانندگان اوژن سو را طبقه خاصی از اجتماع تشکیل نمی‌دادند بلکه از دربار گرفته تا محروم‌ترین خانواده‌های فرانسه بی‌تابانه منتظر خواندن ماجراهای فلوردوماری بودند. این پاورقی را همه می‌خواندند و تا بیرون آمدن شماره بعدی روزنامه نفس در سینه همگان حبس می‌شد. در برابر دفتر روزنامه صف‌های طویل بسته می‌شد و هنوز روزنامه از چاپخانه خارج نشده صفحات آن دست به دست می‌گشت (۲۵). شاید بتوان یکی دیگر از دستاوردهای رمان پاورقی را نزدیک شدن هر چه بیشتر خوانندگان و نویسنده به یکدیگر دانست. چه خوانندگان از امروز تا فردا دنباله داستان را حدس می‌زدند و اوژن سو هر روز، نامه‌های متعددی دریافت می‌کرد که مثلاً به او التماس می‌کردند نگذارد «این دختر بیچاره» بیش از این رنج بکشد. یکی از خوانندگان به او نوشت: «پنجاه فرانک نذر کرده‌ام به انجمن خیریه کمک کنم اگر نویسنده بزرگ ما رضایت دهد که رنج و عذاب فلوردوماری معصوم و بی‌گناه پایان یافته چهره واقعی شوئت پست به همگان شناسانده شود (۲۶)». نیز گفته می‌شود وقتی اوژن سو که عضو گارد ملی بود از کشیک شبانه امتناع ورزید و به زندان محکوم شد، بلافاصله این حکم توسط مارشال سولت (۲۷) وزیر جنگ آن زمان، که از خوانندگان پروپا قرص این پاورقی بود، لغو شد. زیرا که اوژن سو تهدید کرده بود

نوشتن پاورقی را ادامه نخواهد داد (۲۸). با انتشار «عجایب پاریس» اوژن سو عقاید اجتماعی صادقانه خود را نیز منتشر می‌کند و با نشان دادن جنبه‌های مخفی و شرم‌آور جامعه‌ای رو به انحطاط، خود را بعنوان یکی از پیشکوتان رئالیسم در این دوره می‌شناساند. اوژن سو طبقه محروم جامعه را برای اولین بار وارد ادبیات می‌کند و با دقتی خالصانه و نو به ترسیم زندگی آنان می‌پردازد. تأثیر این رمان بر «بینویان» ویکتور هوگو و «شکوه و بدبختی روسپی‌ها» ای بالزاک غیر قابل انکار است. سنت بو (۲۹) منتقد مشهور قرن ۱۹ معتقد است که «عجایب پاریس» شایستگی آن را دارد که در کنار و بعنوان مکمل «کمدی انسانی» بالزاک قرار گیرد. ژیراردن نیز باید یکی دیگر از برندگان انتشار این نوع رمان معرفی شود. چه وی نه تنها موفق شد تیراژ روزنامه خود را بالا ببرد، بلکه هر زمان که به دلیل مخالفت با دولت دستور سانسور روزنامه صادر می‌شد، روزنامه‌نگار قسمت سیاسی روزنامه خود را سفید منتشر می‌کرد و تنها در پایین صفحه اول انتشار پاورقی را ادامه می‌داد. به این صورت ضرر مادی متوجه ناشر نمی‌شد و قسمت‌های سفید نیز گویاتر از هر نوشته‌ای سخن می‌گفتند.

با مشاهده محبوبیت و تأثیر «عجایب پاریس» و به تشویق ناشران، دیگر نویسندگان رمان نیز به نوشتن رمان پاورقی با همان اصول اوژن سو پرداختند.

عناصر اصلی رمان پاورقی

عناصر اصلی تشکیل دهنده این رمان با سایر انواع رمان تفاوتی ندارد: شخصیت داستان، حادثه، سیر زمان و... اما هر یک از این عناصر از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است.

۱- قهرمان اصلی رمان با شخصیتی قوی و خصوصیات ویژه اخلاقی و رفتاری خود بر همه کسانی که با آنان در ارتباط است حاکم می‌شود. این قهرمان به دلیل بی‌عدالتی بزرگی که به ناحق بر وی روا می‌شود شاهد از میان رفتن یک یک وابستگان و علائق خود می‌شود. و به فردی بی‌اعتنا نسبت به شادی‌های زندگی و شخصیتی نفرین شده تبدیل می‌گردد. این قهرمان عاشق است، اما عشق وی از نوع عشق رمانتیک است و همواره چون آتشی در زیر خاکستر در دل قهرمان باقی می‌ماند و او را از درون می‌سوزاند.

قهرمان اصلی رمان پاورقی از نظر ظاهری و اخلاقی جذاب و مسحور کننده است چندانکه کسی در برابر او یارای مقاومت ندارد. این قهرمان همیشه تنهاست اما این تنهایی در پایان داستان بسر می‌رسد. قهرمان رمان پاورقی همیشه دستکاری دارد که او را در پیش بردن روند داستان کمک می‌کند. در پایان رمان پاورقی این قهرمان بعد از آنکه به آرامش می‌رسد ناپدید می‌شود و دیگر کسی از او خبری نمی‌یابد، یا با ازدواج به پایانی خوش می‌رسد و یا با مرگ به صورت روح سرگردان در این دنیا باقی می‌ماند. پایان رمان پاورقی به اجبار درس اخلاقی در بردارد.

۲- رمان پاورقی به معرفی توده مردم پاریس می‌پردازد. از این رو این نوع رمان، رمان واقعی روز محسوب شده جنبه تاریخی می‌یابد.

۳- صحنه حوادث، تصویری از دوره خاص Restoration (۱۸۴۶-۱۸۱۵) فرانسه به دست می‌دهد.

۴- جهت‌گیری سیاسی - نویسندگان رمان پاورقی که اغلب از نویسندگان زبردست و مشهور این دوره می‌باشند، از آن روی که با حکومت روزگار خویش مخالفانند معمولاً تصویری از اجتماعی فاسد به دست می‌دهند که حکمرانی ناشایسته مسؤلیت آن را بعهده دارد.

بالزاک، الکساندر دوما (پدر) و ویکتور هوگو از دیگر نویسندگانی هستند که به نوشتن رمان پاورقی روی می‌آورند. البته در این میان بالزاک با موفقیتی روبرو نمی‌شود چه سبک وی بر تفسیر و توصیف‌های دقیق و طولانی استوار است که از حوصله رمان پاورقی بیرون است. هوگو از ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۷ «بینویان» را به صورت رمان پاورقی منتشر می‌کند. الکساندر دوما دیگر نویسنده‌ای است که اغلب رمانهای خود از جمله «لوکنت دومونت کریستو» (۳۰) را به صورت رمان پاورقی منتشر کرده و با موفقیت زیادی روبرو شده است. با توجه به شهرت «عجایب پاریس» اغلب نویسندگان سعی می‌کنند عناوینی مشابه برای رمانهای پاورقی خود انتخاب کنند. از آن جمله می‌توان پل فوال را نام برد که در ۱۸۴۴ با انتشار «عجایب لندن» (۳۱) رقیب جدی اوژن سو شناخته می‌شود. راه اوژن سو در نیمه دوم قرن ۱۹ نیز ادامه یافته ژول ورن اغلب رمانهای خود را به همین سبک و صورت منتشر می‌کند و شهرت و محبوبیت وی نیز بر کسی

پوشیده نیست. پس از وی امیل زولا نیز درصدد انتشار رمانهای خود به صورت رمان پاورقی برمی آید.

اصول پاورقی

اگر به رمانهای پاورقی که در طول در نیمه قرن ۱۹ نوشته شده است نظری بیفکنیم اصول زیر را در همه آنها حاکم می بینیم:

۱- اصل بازنویسی: چون هر روز و به تعداد زیاد باید ماجرا نوشت نویسندگان رمان پاورقی اغلب قسمتهایی از متون نویسندگان دیگر را به عاریت گرفته و یا عیناً از آنها تقلید می کنند.

۲- در نوشتن رمان پاورقی معمولاً نویسندگانی که شهرت زیادی ندارند با نویسندگان بزرگ و مشهور همکاری می کنند مثلاً اوگوست ماکه (۳۲) در نوشتن اغلب رمانهای الکساندر دومای را یاری کرده است (۳۳). بدین ترتیب رمان پاورقی توسط یک نویسنده و غالباً یک یا چند دستیار نوشته می شود.

۳- رویدادهای فرعی در رمان پاورقی نقش اساسی ایفا می کنند. هر رویداد باید داستانی جدید و قابل فهم برای خواننده باشد و میل به ادامه داستان را در وی برانگیزد.

۴- دیالوگ یا گفتگو بین دو پرسوناژ یکی دیگر از اصول مهم رمان پاورقی است. دیالوگ ریتم خاصی به داستان می بخشد و مطالب را برای خواننده قابل درک تر می نماید. بعنوان مثال ژول ورن برای رساندن اطلاعات علمی به خوانندگان خود به تعداد دیالوگ آثار خود می افزاید: شخصی سؤال می کند و دیگری برای پاسخ دادن مطالب را می شکافد.

۵- هر قسمت باید سریع وارد داستانی جدید گردد به طوری که نیاز به تکرار آنچه گذشت، نباشد.

۶- گریز زدن (digression) یکی دیگر از اصول رمان پاورقی است. در رمان پاورقی تعداد گریزها زیاد است و رمان حالت روایت در روایت پیدا می کند.

۷- طنز (humour) باعث سرگرمی خواننده می شود و چون این نوع طنز معمولاً باطنی جدی دارد خواننده را وادار به اندیشیدن به مسائل جدی می نماید.

نتیجه و پایان

رمان پاورقی را باید انقلابی در ادبیات فرانسه شناخت چرا که :

۱- مردم را با خواندن آثار ادبی آشنا کرد ۲- موفقیتی که به ظاهر نصیب جنبه تجاری روزنامه گردید در واقع موفقیتی برای ادبیات بود. قبل از رمان پاورقی آثار ادبی را چه کسانی می خواندند؟ معمولاً خوانندگانی که در سالنهای ادبی دور هم جمع می شدند. با توجه به اینکه معمولاً همه نویسندگان بزرگ سالتی ادبی را هدایت می کردند می توان تصور کرد که مثلاً در هر زمان ۲۰ سالن ادبی وجود داشت و در هر یک ۵۰۰ نفر رفت و آمد می کردند و این رقم کل تعداد خوانندگان آثار ادبی را تشکیل می داد. در حالی که دیدیم رمان پاورقی این رقم از هزاران هزار خواننده فراتر رفت.

پل فوال تحول عظیمی را که انتشار رمان پاورقی در دنیای ادبیات ایجاد کرد چنین توصیف می کند: «دنیای وارونه شده است، قبول دارم، اما چه می توان کرد؟ هر آنچه را که با ارزش و عالی بود از روزنامه حذف کرده اند: «شیوایی کلام سردبیر، علم اقتصاددان، قدرت تفکر رقاببع نگار، قدرت تشخیص منتقد. تنها نوار کاغذی مفلوکی را حفظ کرده اند که بر روی آن ماجراهای عشقی دو عروسک خیمه شب بازی روایت شده است. و این نوار کاغذی را مقدس مآبانه جلد می کنند، آن را از هر گونه بلیات دور نگه می دارند و اگر دچار پارگی شود همچون اسکناسهای با ارزش بانک ملی فرانسه آن را ترمیم می کنند و پس از گذشت ۶ ماه، آنگاه که قسمت بالای این نوار کاغذی، مجاله و فروخته شده، دوباره به کارخانه می رود و به خمیر کاغذ و صفحات نازک کاغذ تبدیل می گردد و شاید توسط همین مبلغین معظم بر آنها مطاب دیگری نوشته می شود، نوار کاغذی مفلوک همچنان راه خود را ادامه می دهد. توده مردم آن را با احتیاط دست به دست می گردانند و مثلاً پی می برند که با وجود بی عدالتی و فراز و نشیبهایی که سرنوشت در پیش روی آنها قرار داده بود، گاستون و مادلن بالاخره با یکدیگر ازدواج کردند» (۳۲).

رمان پاورقی علیرغم جنبه های یاد شده، بی عدالتی عظیمی درباره نویسندگان روا داشته است. چه بعد از انتشار این نوع رمان معیارهای تعیین کننده نویسنده خوب، پول به دست آوردن، شهرت در میان مردم و فروش رفتن کلیه کتابهای یک نویسنده در زمانی محدود شناخته می شود. در حالی که قبل از انتشار این نوع رمان خصوصیات فکری هنری و ابداعی

نویسنده معیار ارزشیابی به شمار می‌رفت. فراموش نکنیم که امروز نیز برای دریافت جایزه گنکور (۳۵)، کتاب خوب با همین معیار ارزشیابی می‌شود: این جایزه به نویسنده‌ای تعلق می‌گیرد که اقلأً ۵۰۰۰۰ نسخه از کتاب وی در چاپ اول به فروش رفته باشد.

از طرف دیگر اغلب نویسندگان رمان پاورقی در خور این همه شهرت و محبوبیت نبودند چه نویسندگی اغلب شغل دوم آنها محسوب می‌شد: اوژن سو محقق مقالات پزشکی بود، الکساندر دوما دبیر وکالت بود و ...

رمان پاورقی شکوفایی شگفت‌انگیزی در زمانی نسبتاً کوتاه به دست آورد و خوش درخشید. اما از اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم با حریفی توانمند و رقیبی چنان جذاب و فریبده مواجه گشت که در زمانی نه چندان دراز عرصه را به کلی بر وی تنگ کرد: ظهور پدیده شگفت‌آورتر و جذاب‌تر سینما خوانندگان رمان پاورقی را که غالباً از افراد طبقه متوسط جامعه بودند و در نتیجه از مایه علمی و فرهنگی چندانی برخوردار نبودند، به خود جلب کرد. آنان که خواندن رمان پاورقی را نه به خاطر التذاذ از جوانب هنری و بهره گرفتن از نکته‌ها و دقیقه‌های ادبی که تنها به منظور بهره گرفتن از جانب سرگرم کننده آن، پیشه خود کرده بودند، هنگامی که وسیله سرگرم کننده‌تر و جالبتری همچون سینما را در دسترس خویش یافتند طبیعی بود که از خواندن رمان پاورقی که در مقایسه با سینما جاذبه کمتری داشت و هزینه مالی آن نیز بیشتر بود و وقت بیشتری هم طلب می‌کرد، روی برتابند و بی‌درنگ و تأمل به گرد آمدن در سالن‌های سینما روی آورند. سینماگران هوشمند و مبتکر نیز با ساختن سریال‌های دنباله‌داری که از موضوع‌هایی نظیر محتوای رمان‌های پاورقی مایه می‌گرفت، در حقیقت گونه‌ای از رمان‌های پاورقی را که موافق ذوق طبقات متوسط بود به صورت زنده در برابر چشم دستداران آن داستانها قرار می‌دادند. با پدید آمدن چنین وضعیتی، نویسندگان سودجوی رمان‌های پاورقی نیز خود در این تغییر مسیر عمومی از خوانندگانشان عقب نماندند و به نوشتن فیلمنامه برای سینماگران روی آوردند، و پل فوال (پسر) و پل دیووا (۳۶) که «جامعه ادیبان سینما» را بنیان نهادند از آن جمله‌اند.

بدینگونه دیری نگذشت که رمان پاورقی رفته رفته روی به زوال نهاد و سینما توانست به آسانی خواننده و نیز نویسندگان آن را به خود جلب کند.

- 1- Barrière (P.), La vie intellectuelle en France, A. Michel, Paris, 1974.
- 2- Bellet (R.) Presse et journalisme sous le second Empire, classiques-garnier, Paris, 1967.
- 3- Couty (D.), Histoire de la littérature française, XIXe S. t.1., Bordas, Paris, 1988.
- 4- Desalmand (P.), Du plan à la dissertation, Hatier, Paris, 1977. 5-Des Granges, La presse littéraire sous la Restauration, A. Colin, Paris, 1907.
- 6- Ginisty (P.), Eugène Sue, A. Colin, Paris, 1965.
- 7- Laffont (R.), Dictionnaire des auteurs, Bouquins, Paris, 1990.
- 8- Laffont (R.), Dictionnaire des Oeuvres, Bouquins, Paris, 1990.
- 9- Laffont (P.), L'aube romantique, classiques-Garnier, Paris, 1947.
- 10- Lote (R.), Les intellectuels dans la société française, A. Colin, Paris, 1918.
- 11- Maignon (L.), Le roman historique à l'époque romantique, Genève, 1970.
- 12- Mitterand (H.), Littérature, textes et documents, Nathan, Paris, 1986.
- 13- Peflec (J.), Naissance du roman populaire moderne, presse-universitaire, 1968.
- 14- Raimond (M.), Le roman depuis la Révolution, A. Colin, Paris, 1981.
- 15- Weill (G.), Le journal, origines, et rôle de la presse périodique, A. Colin, Paris, 1934.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال ملی
 کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پی نوشت

- ۱- منبع ش ۱۳ ص ۷۸
- ۲- ش ۱ ص ۴۳۴
- ۳- ش ۱۲ ص ۱۰
- ۴- ش ۱ ص ۴۳۸
- ۵- ش ۳ ص ۳۱

Frédéric Soulié; les Mémoires du Diable

Eugène Sue; les Mystères de Paris; le Juif errant

-۶

-۷

- ۸- Emile de Girardin
- ۹- Armand Dutacq
- ۱۰- Alfred de Vigny; Cinq Mars
- ۱۱- Mérimée; Cchronique du règne de Charles IX
- ۱۲- Victor Hugo; Notre Dame de Paris
- ۱۳- منبع ش ۳ ص ۳۴
- ۱۴- ش ۱ ص ۲۳۶
- ۱۵- Rodolphe
- ۱۶- Sarah
- ۱۷- Fleur - de - Marie
- ۱۸- Pipelet
- ۱۹- Morel
- ۲۰- Rigolette
- ۲۱- Chourineur
- ۲۲- La Chouette
- ۲۳- Théophile Gautier
- ۲۴- منبع ش ۱۲ ص ۱۶۸
- ۲۵- ش ۷
- ۲۶- ش ۶ ص ۲۲
- ۲۷- Maréchal Soult
- ۲۸- منبع ش ۸
- ۲۹- Sainte - Beuve
- ۳۰- Alexandre Dumas; Le Comte de Monte - Cristo
- ۳۱- Paul Féval; Les Mystères de Londres
- ۳۲- Auguste Maquet
- ۳۳- منبع ش ۳ ص ۱۴۸
- ۳۴- ش ۶ ص ۱۲۵
- ۳۵- Goncourt
- ۳۶- Paul Féval (Fils); Paul d 'Ivoi